

نام باب	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن مصدر
۴. باب افعال	اَفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتِعَالًا
	اِكْتَسَبَ	يَكْتَسِبُ	اِكْتِسَابًا

در مهموز الفاء، در صورت تخفیف همزه غالباً جاری نمی شود. اِنْتَعَنَ : اِنْتَعَنَ

حرف عله، به تاء تبدیل می شود و سپس در تاء باب، ادغام می شود.

۱- حرف عله (واو یا یاء) باشد.

وَحَدَّ : اِحْتَدَّ
يَسَّرَ : اِنْتَسَرَ

در صاد و ضاد و ظاء، اگر بخواهیم قاعده هشتم ادغام را اجرا کنیم، طاء مقلوب از تاء راه همجنس فاء الفعل کرده، سپس ادغام می کنیم. اِحْتَبَرَّ، اِحْتَبَرَّ، اِحْتَبَرَّ

تاء باب، به طاء تبدیل می شود.

در ظاء، تبدیل آن به طاء، و سپس ادغام طاء در طاء مُبْدَل از تاء، هم جایز است. اِحْتَلَمَّ، اِحْتَلَمَّ، اِحْتَلَمَّ

۲- ص، ض، ط، ظ باشد.

صَبَّرَ : اِحْتَبَّرَّ
صَبَّرَبَ : اِحْتَبَّرَبَ
طَرَدَ : اِحْتَطَّرَدَ
ظَلَمَ : اِحْتِظَلَمَ

وقتی فاء الفعل ذال است، بعد از قلب تاء به دال، ادغام به دو صورت جایز است: اِحْتَدَّرَ، اِحْتَدَّرَ

تاء باب، به دال تبدیل می شود.

وقتی فاء الفعل زا است، ادغام، یا تبدیل دال به زا جایز است: اِحْتَزَرَ، اِحْتَزَرَ

۳- ذ، د، ز باشد.

ذَرَكَ : اِحْتَذَرَكَ
ذَكَرَ : اِحْتَذَكَرَ
زَجَرَ : اِحْتَزَجَرَ

جائز است تاء باب راه، همجنس فاء الفعل کرده، سپس ادغام کنیم.

تَأَرَّ : اِحْتَأَرَّ - اِحْتَأَرَّ
سَمِعَ : اِحْتَسَمِعَ - اِحْتَسَمِعَ

۴- ث، س باشد.

۵- ت، ث، د، ذ، ز، س، ص، ض، ط، ظ باشد.

تاء باب راه، همجنس عین الفعل کنیم،

سپس، حرکت آن را می اندازیم، یا به ماقبل می دهیم، و سپس تاء مُبْدَل راه، در عین الفعل ادغام می کنیم، و سپس همزه باب را می اندازیم.

اِحْتَضَمَّ : اِحْتَضَمَّ : اِحْتَضَمَّ (یا اِحْتَضَمَّ)

اجرای این قاعده، برای دال و صاد، رایج، و برای باقی حروف فوق، نادر است.

این قاعده در مضاعف اجرا نمی شود. اِحْتَمَدَّ

عین الفعل

عین الفعل، اعلال نمی شود.

۶- حرف واو باشد، و به معنای مشارکت

اِحْتَدَوَّجَ

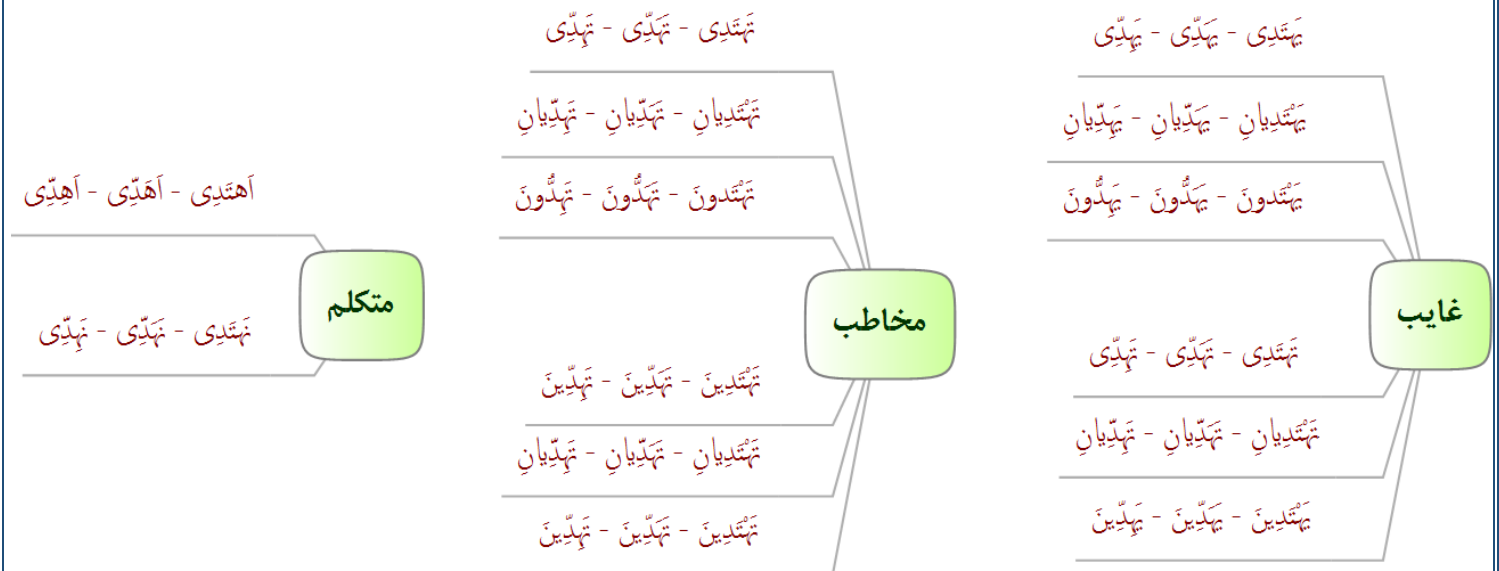
عدم اعلال واو، در اِحْتَوَّی و اِحْتَوَّی به دلیل لیف مقرون بودن کلمه و در حکم حرف صحیح بودن عین الفعل در این کلمات است.

امر حاضر	امر غایب	مصدر	مضارع	ماضی	
		صَفَوًا	يَصْفُو	صَفَا	باب افعال از:
اِصْطَفِ	لِيَصْطَفِ	اِصْطِفَاءً	يَصْطَفِي	اِصْطَفَى	
		ذُخْرًا - ذُخْرًا	يَذْخُرُ	ذَخَرَ	باب افعال از:
اِدْخِرْ	لِيَدْخِرْ	اِدْخَارًا	يَدْخِرُ	اِدْخَرَ	
		سِعَةً - سِعَةً	يَسِعُ	وَسِعَ	باب افعال از:
اِتَّسِعْ	لِيَتَّسِعْ	اِتِّسَاعًا	يَتَّسِعُ	اِتَّسَعَ	
اِتَّرَزْ	لِيَاتَّرَزْ - لِيَاتَّرَزْ - لِيَاتَّرَزْ	اِتِّرَارًا	يَاتَّرِزُ - يَاتَّرِزُ - يَاتَّرِزُ	اِتَّرَزَ	باب افعال از: الإزار
اِسْتَكْ	لِيَسْتَكْ	اِسْتِيَاكًا	يَسْتَاكُ	اِسْتَاكَ	باب افعال از: السَّوَاك
		سَلْبًا	يَسْلُبُ	سَلَبَ	باب افعال از:
اِسْتَلَبْ	لِيَسْتَلَبْ	اِسْتِلَابًا	يَسْتَلِبُ	اِسْتَلَبَ	
اِسْلَبْ	لِيَسْلَبْ	اِسْلَابًا	يَسْلِبُ	اِسْلَبَ	
		مَدًّا	يَمُدُّ	مَدَّ	باب افعال از:
اِمْتَدِّ	لِيَمْتَدِّ - لِيَمْتَدِّ - لِيَمْتَدِّ	اِمْتِدَادًا	يَمْتَدُّ	اِمْتَدَّ	
		رِضًا - رِضَاءً - رِضْوَانًا	يَرْضَى	رَضَى	باب افعال از:
اِرْتَضِ	لِيَرْتَضِ	اِرْتِضَاءً	يَرْتَضِي	اِرْتَضَى	

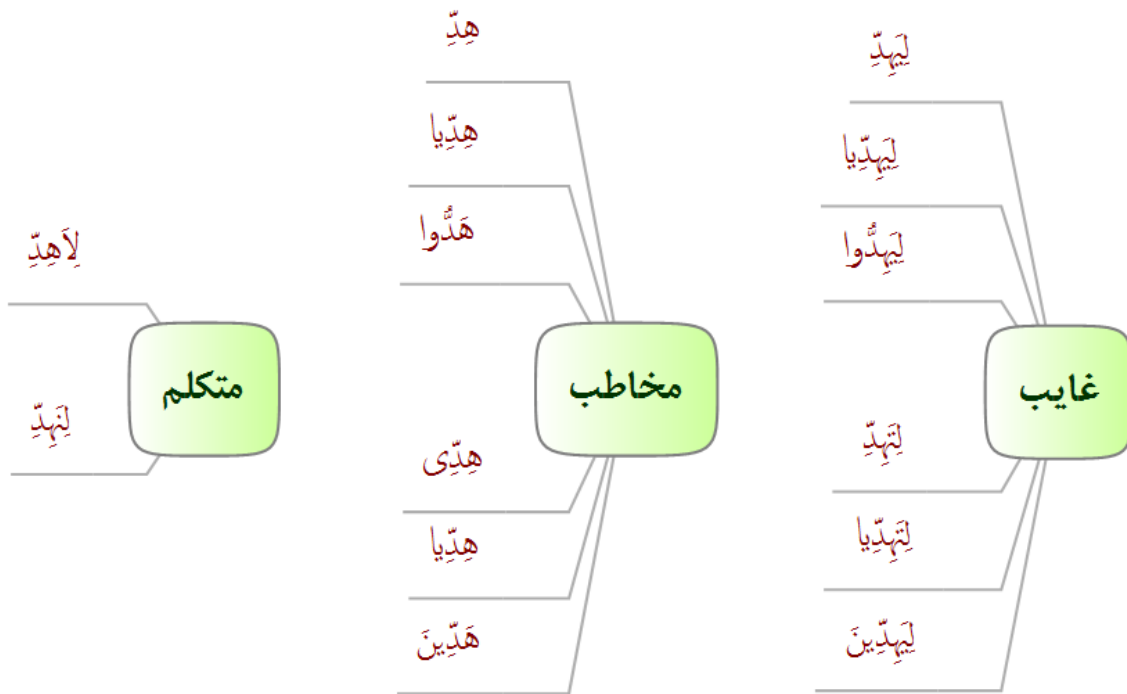
صرف فعل ماضی معلوم باب اِفتعال از هَدَى، يَهْدِي، هُدًى و هَدِيًّا و هِدَايَةً



صرف فعل مضارع معلوم باب اِفتعال از هَدَى، يَهْدِي، هُدًى و هَدِيًّا و هِدَايَةً



صرف فعل امر معلوم باب اِفتعال، از مضارع یَهْدِي



ماضی معلوم	مصدر	مضارع	ماضی	
اجْتَوَرْتُ اجْتَوَرْتَا اجْتَوَرْتُمْ اجْتَوَرْتُمْ ...	اجْتَوَارًا	يَجْتَوِرُ	اجْتَوَرَ	باب اِفتعال اجوف واوی با معنای مشارکت از: الْجَوَار
	عَوْدًا - عَوْدَةً	يَعُوذُ	عَادَ	باب اِفتعال اجوف واوی بدون معنای مشارکت از:
اعْتَادَ اعْتَادَا اعْتَادُوا اعْتَادْتُمْ اعْتَادْتُمْ ...	اعْتِيَادًا	يَعْتَادُ	اعْتَادَ	
اسْتَفَا اسْتَفَا اسْتَفَا اسْتَفَا اسْتَفَا اسْتَفَا ...	اسْتِيْفَاءً	يَسْتَفِئُ	اسْتَفَأَ	باب اِفتعال اجوف يائي با معنای مشارکت از: السَّيْفِ
اِكْتَالًا اِكْتَالًا اِكْتَالُوا اِكْتَالْتُمْ اِكْتَالْتُمْ ...	اِكْتِيَالًا	يَكْتَالُ	اِكْتَالَ	باب اِفتعال اجوف يائي بدون معنای مشارکت از: اَلْكَئِلِ

